

Retrospective Political Sociology of Threats to National Identity in the Islamic Republic of Iran

Kianoush Muammar¹

Received: 26 June 2023

Ali Akbar Amini²

Reception: 23 December 2023

Seyyed Asadullah Athari Merianeh³

Abstract

Examining the threats to national identity is an important area in the strategic and defense studies of countries. Recognizing, analyzing, and evaluating the types of threats to national identity is of great importance. National identity, as a vital value, ensures national security and is considered a condition for the survival of political systems. Therefore, one of the most important basic goals of political systems is to preserve its vital values, which can be threatened by other value systems in the anarchic international environment. Maintaining and promoting the country's national identity requires recognizing the threats, distinguishing them from each other, and using appropriate methods and tools to contain and confront each one. On the other hand, some identities face serious threats; accordingly, and given the position that our country has in the international system, the threats to the identity of our society are of particular importance. Considering the historical background of the national identity component in Iran, in this study, which was developed using a historical-descriptive method, the research question is: What factors have threatened national identity in the Islamic Republic of Iran? The research hypothesis is also based on the proposition that national identity in the Islamic Republic of Iran has faced three categories of threats: hard, semi-hard, and soft.

Keywords: Threats, hard threats, soft threats, Islamic Republic of Iran, national identity

¹PhD Student in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author)

³Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Takestan Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

جامعه‌شناسی سیاسی گذشته‌گرای تهدیدات هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران

کیانوش معمر^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵علی اکبر امینی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲سید اسدالله اطهری مریانه^۳

چکیده

بررسی تهدیدات فراروی هویت ملی، یک عرصه مهم در مطالعات راهبردی و دفاعی کشورها می‌باشد. شناخت، تحلیل و ارزیابی گونه‌های تهدید علیه هویت ملی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. هویت ملی بعنوان یک ارزش حیاتی، متضمن امنیت ملی است و به نوعی شرط بقای نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود و از همین روی از مهم‌ترین اهداف اساسی نظام‌های سیاسی، حفظ ارزش‌های حیاتی آن، می‌باشد که امکان تهدید اینها از سوی سایر نظام‌های ارزشی در فضای آنارشی بین‌الملل وجود دارد. نگهداشت و ارتقای هویت ملی کشور، مستلزم شناخت تهدیدات فراروی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر و استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب برای مهار و مقابله با هر کدام است. از طرفی برخی از هویت‌ها با تهدیدات جدی روبرو هستند؛ بر این اساس و با توجه به موقعیتی که کشورمان در نظام بین‌الملل دارد، تهدیدات فراروی هویت جامعه ما از اهمیت خاصی برخوردار است. با در نظر گرفتن سبقه تاریخی مولفه هویت ملی در ایران، در این پژوهش که به روش تاریخی-توصیفی تدوین شده، سوال تحقیق است که چه عواملی هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه کرده است؟ همچنین فرضیه پژوهش مبتنی بر این گزاره است که هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران با سه دسته از تهدیدات سخت، نیمه سخت و نرم مواجه شده است.

کلمات کلیدی: تهدیدات، تهدیدات سخت، تهدیدات نرم، جمهوری اسلامی ایران، هویت ملی.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

moammerkianoosh@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Amini.aliakbar@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران Athary.asadolah@yahoo.com

هویت ملی رمز بقای نظام سیاسی در عصر دولت- ملت است. این بسته ارزشی از ساختار و ماهیتی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، انتظامی و محیطی هر نظام سیاسی نشأت می‌گیرد و در دکتترین، راهبرد و سیاست‌های کلان یک کشور به صورت صریح یا ضمنی اعلان می‌شود که به شرایط حاکم بر جامعه و سیاست داخلی و تا حدودی خارجی کشورها بستگی دارد. بنیان‌های سیاسی، فرهنگی و تاریخی نظام‌های سیاسی، ویژگی‌های اجتماعی و قومی جامعه، شرایط جغرافیایی و زیست محیطی کشور و فضای منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌ها و تهدیداتی را برای هویت ملی کشورها پدید می‌آورد که در ساختار همبستگی و انسجام داخلی کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. در عصر کنونی، منابع و منافع متعارض ارزشی نظام‌های سیاسی در عرصه‌ی آنارشیک نظام جهانی تهدیداتی را برای هویت ملی کشورها ایجاد می‌کند که ممکن است منظومه ارزشی و شاخصه‌های باوری جامعه را با مشکل ایجاد کند. از این رو، شناخت تهدیداتی که علیه هویت ملی وجود دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است. ناگفته پیداست که حراست و صیانت از همین هویت ملی است که خلق‌کننده عزت ملی است که انقلاب اسلامی ایران با درک از شرایط تاریخ سیاسی معاصر به ویژه در دوره قاجار و همزمان با انقلاب مشروطه که استجلاله فرهنگی و هویتی در حال پیدایش بود در صدد برآمد تا با تاکید بر آموزه‌های فرهنگی زمینه نفوذ تجددگرایی را به حداقل‌ها برساند.

از قرن نوزدهم میلادی و به دنبال جنگ‌های ایران و روس و آشنایی ایرانیان با تمدن مدرن غرب، اندیشه‌های ناسیونالیستی بر محور ایجاد دولت ملت، با اندیشه‌های سنتی در مورد تعلق به ایران و پاسداری از مرزهای ایران و هویت ایرانی در هم آمیخت. در نتیجه مواجهه ایرانیان عصر قاجار با جوامع و ارزش‌های اروپایی، هویت ایرانی با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو شد. این چالش‌ها بستری برای دگردیسی (تغییر همراه با اصلاح و تکامل) در باور و فرهنگ ایرانی و سرانجام ترکیب هویت ملی شد. در نتیجه این وضعیت، انقلاب مشروطه رخ داد و براساس آن هویت ایرانی با مفهوم نوین آن برپایه میراث کهن این هویت شکل گرفت. انقلاب مشروطه با هدف طرح ساختار جدید و اندیشه‌های نو، الگوی نوینی از ارتباط ملت و دولت و هویت ملی را ایجاد کرد. در دوره پهلوی، حکومت با تمرکزگرایی شدید و به شیوه‌ای استبدادی و کاهش حوزه نفوذ و اختیارات خرده فرهنگ‌های اجتماعی و ایجاد تقابل بین لایه‌های ایرانی و اسلامی هویت ملی عمل می‌کرد. شاهان پهلوی تلاش می‌کردند با ایجاد رابطه

میان تجربه مدرن و تاریخ ایران باستان، جامعه جدیدی بر پایه نظام شاهنشاهی بنا کنند. اما این مسئله در نهایت، به پیدایش بحران مشروعیت و فروپاشی نظام پهلوی کمک کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران، شاهد استقرار نظم هویتی جدیدی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شیعی و درحاشیه قرار گرفتن ارزش‌های باستانی هستیم. ارزش‌های اسلامی و شیعی بنیان‌گفتمان هویتی هستند که در ایرانیت عنصر واکنش به فرایند تضعیف بعد اسلامی هویت ملی در عصر پهلوی پدیدار شده و هدفش آن بوده و هست که مبانی همبستگی ملی در کشور را با ارائه تعریفی اسلامی شیعی از هویت ملی ایران بنا کند. دولت جمهوری اسلامی نظام شاهنشاهی و مدرنیته را دگرهویتی خود تعریف کرد و با تقویت و بازگشت به هویت اسلامی، در پی ایجاد تحول در ساختار هویت ملی ایران برآمد (بشیریه ۱۳۸۳: ۱۰۱).

مسئله کاوی

بشر از ابتدای حیات خویش و زندگی اجتماعی با این سؤال چپستی و اینکه چه مسائلی باعث تفاوت او با دیگران شده مواجه بوده است. پیدایش دولت‌های ملی چالشی جدی برای هویت ملی ایجاد کرد. زیرا حکومت‌ها سعی می‌کردند با ایجاد هویت ملی منسجم، اتحادی را علیه دیگران ایجاد کرده و به تقویت خود پردازند و در عین حال یکی از مهمترین عناصر امنیت داخلی نیز حفظ و تقویت اجزای هویت ملی محسوب می‌شود. چراکه جامعه‌ی با هویت کمتر به سمت و سوی بزه و تخلفات اجتماعی سوق پیدا می‌کنند. از طرفی هویت ملی به واسطه اهمیتی که دارد در برابر تهدیداتی قرار دارد تا انسجام هر مجموعه‌ای اعم از خرد تا کلان را با گسست مواجه کند. از این رو نظام‌های سیاسی با اقدامات مسلحانه و غیرمسلحانه و با ابزارهای گوناگون همواره سعی نموده‌اند هویت ملی را در مقابل این تهدیدها، حفظ نمایند. اهمیت حفظ و بقای هویت ملی نه تنها در دنیای پیشین بلکه در عصر حاضر و با پیشرفت سریع و تغییرات پرشتاب در نظام جهانی و با وجود انواع تهدیدها و فرصت‌ها همچنان پابرجا مانده است. بنابراین باید ضمن شناخت هویت ملی تهدیدات فراروی آن را برای مقابله با آنها شناخت. هویت ملی از دیرباز مورد توجه حکومت‌ها بوده است. امروزه تهدیدات جدید در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، امنیت ملی و امنیت داخلی را دچار بحران و مخاطره ساخته است و ناامنی در فضای بین‌الملل کنونی، ناشی از ترکیب تهدیدات سنتی و جدید است. از آنجایی که لازمه رسیدن به عزت ملی که بن مایه فخر و سربلندی یک ملت محسوب می‌شود، درصیانت از هویت ملی است، باید گفت، هیچ ملتی بدون اهمیت

بخشیدن به هویت ملی نمی‌تولند به عزت ملی دست یابد و بنابراین رقبا و دشمنان منطقه‌ای نیز همواره درصددند تا از طرق مختلف به ویژه رسانه‌های امروزی هویت ملی جوامع را تغییر دهند تا جایگاه خود را در نظام بین‌الملل حفظ کنند. تهدیدات علیه امنیت ملی در عصر فرامدرن، تنوع و گسترش یافته است. تحولات نظام بین‌الملل، توسعه‌ی ارتباطات، پیشرفت‌های فناورانه، مجاورت بی‌سابقه‌ی جوامع با یکدیگر، گسترش شبکه‌های اجتماعی و مجازی، افزایش همگرایی‌ها و واگرایی‌ها در سطوح منطقه‌ای، جهانی و ملی باعث شده که امنیت در دوره‌ی فرامدرن، به صورت منشوری و با بازتاب‌های مختلف تجلی یابد. پیوند متقابل سطوح چهارگانه‌ی فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی امنیت، به مثابه یک مفروض در مباحث امنیتی بکار می‌رود. بنابراین، منشأ تهدید و آسیب صرفاً داخلی یا خارجی نیست، بلکه پدیده‌ها، قابلیت‌های تهدیدزایی و تهدیدزدایی متفاوت می‌یابند که باید نسبت آن‌ها با منافع ملی هر کشور با توجه به متغیرهای گوناگون، سنجیده شود.

در تاریخ حیات بشر، عامل هویت جمعی در ایجاد همبستگی عمومی، اهمیت داشته است. هویت ملی، بالاترین و بیرونی‌ترین لایه هویت جمعی در عصر دولت-ملت، تحت تأثیر عوامل مختلف، تکوین و تغییر یافته است. جنگ‌ها، ادیان، مسایل فرقه‌ای و قبیله‌ای، مهاجرت‌ها، شکاف‌ها، انقلاب‌ها، نهادها و نگاه دولتمردان از جمله عوامل تحول هویت ملی بوده‌اند. بی‌تردید رسانه‌های گروهی یکی از عوامل مهم همگرایی یا واگرایی هویت ملی در عصر حاضر هستند. رسانه‌ها بر تکوین یا تغییر هویت فردی و جمعی تأثیر شگرف داشته‌اند؛ زیرا رسانه‌ها بافت نمادین زندگی اجتماعی معاصر را تشکیل می‌دهند. رسانه‌ها سازنده ارتباطات، ایده‌ها و برداشت‌های ذهنی انسان هستند. کارکرد رسانه، ساخت افکار عمومی، ایجاد فضای گفت‌وگو، برخورد آراء و برقراری ارتباطات است. رسانه‌ها و به خصوص رسانه‌های الکترونیک با توجه به قابلیت‌های ویژه، یکی از عوامل تسهیل هویت‌یابی و تقویت آن یا زمینه‌ساز بحران هویت و بیگانگی افراد از فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای خودی هستند. رسانه در شرایط کنونی عامل مهم شکل‌دهی و جهت‌دهی، انسجام یا زوال، تحکیم یا تضعیف هر نوع هویتی اعم از هویت ملی و قومی می‌باشد. با عنایت به نقش رسانه‌ها در هویت‌یابی یا بحران هویت مخاطبان، کارکرد رسانه‌ها در زمینه مسئله هویت ملی رخ می‌نماید که رسالت نوشتار حاضر، کنکاش در چگونگی شکل‌گیری بحران هویت، اهمیت هویت ملی و شناخت تهدیدات فراروی هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران با تاملی بر نقش هویت ملی در دوره مشروطه می‌باشد. ابتناء این

پژوهش در روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است که از کتب و مقالات استفاده می‌شود و روش تحلیل داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. برای تبیین فرضیه پژوهش یعنی تهدیدات فراروی هویت ملی، داده‌ها از منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل گردید و در قالب نظری و مفهومی، چگونگی تأثیر این تهدیدها بر هویت ملی بررسی خواهد شد. همچنین هدف و ضرورت کندوکاو کنونی هویت ملی در کشورمان از یک سو به دلیل اینکه از ارزش‌های مختلف و در مقاطع متضادی همچون ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های ملی و نوین تشکیل یافته است و از سوی دیگر به دلیل خطراتی که علیه این هویت وجود دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین ایجاد انسجام و همگنی در این هویت خاص و از سوی دیگر تهدیداتی که برای آن وجود دارد می‌تواند از اهمیت پژوهشی بالایی برخوردار باشد.

هویت و هویت ملی

هویت در لغت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود و عامل شناسایی شخص می‌باشد. ماهیت اگر تشخیص یابد به معنای حقیقت جزئی است و گاه به معنای وجود خارجی است. تشخیص و هویت، بالذات یا بالعرض است (معین، ۱۳۸۳: ۲۲۷). هویت یا تلاش برای پاسخ به پرسش کیستی انسان، سابقه‌ای به قدمت حیات انسان دارد. انسان‌ها همواره کوشیده‌اند خود را بشناسند و تفاوت خود با دیگران را بازشناسند. این مسئله، سرآغاز هویت‌یابی انسان است (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۸۹). ارزش و اهمیت هر انسان یا مجموعه انسانی بستگی به پاسخی دارد که به پرسش از کیستی خویش می‌دهد. هویت ملی یا هویت جامعه‌ای، بالاترین و عالی‌ترین سطح هویت جمعی در داخل هر کشور است (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۴۲). کسب هویت در این سطح باعث احساس خود جمعی می‌باشد. هویت ملی، آخرین مرحله هویت اکتسابی در سطح داخلی کشور است که توسط فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می‌شود. هویت ملی، یک نوع تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و کل جامعه می‌آفریند. هویت ملی یعنی اعضای یک جامعه، یک منشأ مشترک در خود احساس کنند. هویت ملی، مجموعه نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که سبب همبستگی جامعه از یکسو و تفاوت جوامع از یکدیگر از سوی دیگر می‌شود. هویت ملی در دوران معاصر، اصلی‌ترین حلقه ارتباط و اتصال هویت‌های فروملی و فراملی است. هویت ملی، مجموعه گرایش‌ها و نگرش‌ها نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای تشخیص بخش و وحدت بخش در سطح کشور به عنوان یک واحد سیاسی می‌باشد (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

هویت ملی که بر تفاوت و تمایز با دیگران مبتنی است، می‌تواند به نیروی سازنده یا ویرانگر بدل شود. احساس هویت ملی در حد معقول و معتدل، مبنای همیاری و اعتلای فرهنگی است و اگر به قلمرو تعصبات ملی، قومی و نژادی وارد شود یا به بهانه چالش با تعصبات قومی و ملی به نفی، انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش و دیگران پردازد، زاینده ستیز و ویرانی در جامعه و بین جوامع است (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۵). هویت ملی که از برساخته‌های علوم اجتماعی است به مثابه پدیده سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است و هنگامی در غرب پدید آمد که ملت به معنای امروزی شکل گرفت و از اواخر قرن نوزده میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. مفهوم هویت ملی، از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای خلق و خوی و خصیصه ملی کاربرد یافت (میرمحمدی، ۱۳۸۲: ۷).

هویت ملی، امری ارادی است که از متن جامعه برمی‌آید و وفاق ملی بر آن مبتنی است. هویت ملی زمانی در جامعه تکوین می‌یابد که تصور جمعی ملی در افراد آن جامعه به صورت شخصیت پایه متجلی شود، به نحوی که در همه افراد آن جامعه قابل رؤیت باشد. هر ملتی که از دیرباز در سرزمین مشخص، مستقر باشد، دارای مجموعه علایق و ویژگی‌های انحصاری در طول تاریخ حیات خویش است که سبب تشخیص و تمایز آن از سایر ملت‌ها می‌شود و برای شناخت خود و شناساندن خود به دیگران به این ویژگی‌ها توسل می‌جوید. هویت ملی، حاصل ترکیب تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه طی نسل‌های متوالی است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). هویت ملی وقتی شکل می‌گیرد که قریب به اتفاق اعضای جامعه، تصور درستی از اجزای سازنده آن داشته باشند. این اجزای سازنده همان مبانی یا عناصر هویت ملی محسوب می‌شوند. برای فهم بهتر هویت ملی باید در وهله اول عناصر هویت ملی را شناخت.

هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران

مسئله هویت در ایران و چند و چون آن در دهه پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم به یکی از بحث‌های عمده حوزه‌های مطالعاتی، سیاسی و فرهنگی ایران تبدیل شده است. به همراه آن، بحث‌های دیگری همچون ملیت، قومیت، دین و رابطه میان آن‌ها که هم برآمده از بحث پیرامون هویت ایران و هم به خودی خود از عوامل شتاب بخش و انگیزشی بحث هویت ایرانیان بوده، مطرح شده است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۳: ۹). اگر به صورت تاریخی به مفهوم هویت ملی در ایران بنگریم، متوجه می‌شویم که این مفهوم در دوران ساسانیان ابداع شده و در دوران اسلامی با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند،

در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت «هویت ملی ایرانی» متجلی گردید (حمزه‌زاده، ۸۷: ۸۱). اگر به همین صورت تاریخی به نحوه شکل‌گیری هویت ایرانیان دقت کنیم، می‌توان آن را به صورت لایه‌هایی تصور کرد که به مرور زمان و در اثر حوادث مختلف تاریخی شکل گرفته است. لایه‌های تمدن ایرانی به صورت کلی عبارتند از فرهنگ ایران پیش از اسلام، فرهنگ دوره اسلامی و فرهنگ تجدد (الهی‌منش، ۸۶: ۷۸). فرهنگ تجدد بطور اخص از دوره قاجار و بویژه در دوره مشروطه در حال تکوین و طی کردن مرحله پرورش آن بود. آنگاه که دانشجویان اعزامی به فرنگ در هنگام بازگشت احساس تحقیر بر آنان غلبه نموده تصور می‌کردند راه توسعه یافتگی در گذار از سنت‌ها و ارزش‌های اصیل ایرانی-اسلامی است و دستیابی به مدرنیزاسیون را در پذیرش فرهنگ و هویت غربی با شاخصه‌های آن دیار می‌دانستند و اساساً این مسئله در عصر پهلوی نیز باز نمود داشت و مقاومت در برابر هویت ملی (بیشتر در بخش مذهبی آن) همواره وجود داشت.

عناصر هویت ملی در ایران

هویت ملی وقتی شکل می‌گیرد که تمامی اعضای جامعه، تصور درستی از اجزای سازنده آن داشته باشند. یعنی اینکه عناصر هویتی را شناخته باشند. زیرا هویت افراد در متن اجتماعی و فرهنگ شکل می‌گیرد. بر همین اساس عناصر هویت در واقع آنهایی هستند که فرد را به یک مجموعه وسیع به نام ملت یا ملیت پیوند می‌دهند و ملیت‌ها شکلی از احساسات مشترک بر آمده از شور و شوق صمیمیت و شکوه خاص مربوط به میهن است (زهیری، ۸۱: ۲۴). بر همین اساس برای هویت ملی ایرانیان نیز می‌توان عناصری خاص را تبیین کرد. متفکرین ایرانی بر اساس دیدگاه‌های مختلف، هرکدام در خصوص عناصر شکل دهنده هویت ایران نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند؛ «ذبیح الله صفا» فرهنگ و هویت ایرانی را مبتنی بر دو چیز می‌داند، زبان فارسی و نهاد شاهنشاهی. صفا مدعی است نه فقط این دو مقوله شکل دهنده هویت ایرانیان هستند؛ بلکه اصولاً راز بقا و دوام ملی و فرهنگی آنان با این دو عامل ارتباط مستقیم دارد (رجایی، ۸۲: ۵۰). به زعم «شاهرخ مسکوب» نیز هویت ایرانی بر دو پایه زبان و تاریخ استوار است. «شهید مطهری» هویت ایرانی را شامل ایران و اسلام می‌داند. «حمید احمدی»، سرزمین، تاریخ و سابقه دولت را سه عنصر اساسی هویت ملی در ایران می‌داند (قهرمان‌پور، ۸۵: ۵۱). به هر حال اگر بخواهیم نظریات مختلف را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می‌شویم که هرکدام از متفکرین بر اساس دیدگاهی خاص به عناصر هویت ایرانی توجه داشته‌اند و اگر با دیدگاهی جامع

به مقوله هویت ایرانی نگاه کنیم، می‌توان منابع زیر را به عنوان عناصر هویتی
مورد پذیرش قرار داد:

- منبع [عناصر] باستانی (ایرانی)
- منبع [عناصر] دینی
- منبع [عناصر] غربی (صالحی، ۸۷: ۱۰)

عنصر باستانی

اولین عنصر هویتی ملی ایرانیان، عنصر ایران است که دارای شاخصه‌های
مشخصی به شرح زیر است:

سرزمین، زادگاه: از نظر جغرافیای تاریخی، مردم ایران از دیرباز در سرزمینی
که فلات ایران نامیده می‌شود اسکان یافته و ملت ایران را شکل داده‌اند. این
شکل‌گیری را به آغاز سلسله هخامنشیان و پادشاهی کوروش نسبت می‌دهند
که در گذر زمان در عامل سرزمینی تغییراتی در جهت کم و بیش شدن پیش
آمده تا به قلمرو امروزی رسیده است. بر این اساس دلبستگی به سرزمین،
زادبوم و جغرافیای کشور به عنوان وجه فیزیکی و فضایی هویت ملی، در
ایجاد و تقویت احساس هویت ملی کشور ما نقش عمده‌ای دارد (حاجیانی،
۸۲: ۲۱۵).

زبان: در تاریخ افتخارآمیز ایران، همواره هویت و همبستگی ملی مردم، از راه
زبان فارسی حفظ شده است. در حقیقت زبان فارسی چون آسمانی پهناور،
تمامی اقوام را در گستره نفوذ خود درآورده است. تنوع جامعه ایرانی که از
دوران امپراتوری هخامنشی، اشکانی و ساسانی تا امروز وجود داشته و دارد،
از راه زبان پارسی به یگانگی و وحدت رسیده‌اند (فلاح، ۸۷: ۴). در واقع زبان
فارسی از راه بازآفرینی میراث، حضور اجتماعی، اسناد و مدارک رسمی،
ادبیات داستانی، نظم و نثر و شکل دادن به اسطوره‌ها نقش مهمی در هویت
ملی کشورمان ایفا کرده است (نصری، ۸۷: ۱۴۹).

نژاد، قومیت: در جامعه ایران این تنوع قومی از دیرباز وجود داشته و به عنوان
یک واقعیت پذیرفته شده و بلکه این عامل که ایرانیان خود را به یک نژاد
(نژاد آریایی) نسبت داده‌اند، عاملی در احساس مشترک پیوند میان آنها بوده
است.

آیین‌ها، رسوم ملی و هنر: یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نگرانی و معرفی
هویت ایرانی، آیین‌ها، رسوم ملی و همینطور هنر است که به واسطه
دیرینگی (تاریخی) و فراگیری (جغرافیایی) از اهمیت والایی برخوردارند.

بعضی از این رسوم، جشن هستند و با نوعی شادمانی و گشاده‌رویی همراهند مانند عید نوروز، جشن مهرگان و شب یلدا. بعضی دیگر هم، یادبود هستند و به نشانه بزرگداشت یک خاطره جمعی یا شخصی برگزار می‌شوند مانند عید اموات. هنر نیز از دیگر شاخصه‌های هویت ایرانی است. هویت به معنای آگاهی ما و دیگران از کیستی ما، تا حد قابل توجهی به وسیله آثار هنری شناخته می‌شود. هنر از رسایی، پذیرش بیشتر و سرعت در انتقال پیام برخوردار بوده و به خاطر جهانی بودن آن، در میان راه‌های مختلف پیام‌رسانی، پذیرفته‌ترین راه می‌باشد (نصیری، ۱۳۷۶: ۴۸).

به هر حال عنصر ایران در فراز و نشیب‌ها و در تقابل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر، دارای کش و قوس‌هایی بوده که در این خصوص فرهنگ خاصی با آداب و رسوم شکل گرفته که ایرانیان وارث میراث عظیم و کهنی بوده‌اند که وقتی یک ایرانی با نگاهی تاریخی به گذشته خود می‌نگرد علاوه بر احساس افتخار درونی، مجموعه‌های اخلاقیات و فرهنگ را در خود می‌بیند که از گذشته و نیاکان خود به ارث برده است.

عنصر دین

دین، نقش بسیار ممتازی در شناخت هویت (قومی، ملی) ایفا می‌کند و سهم زیادی در قوام هویت می‌تواند داشته باشد. دین و مذهب در ایران از این لحاظ هم قابل توجه است که الهام بخش سایر مؤلفه‌های هویتی نیز هست، به طوری که نمی‌توان اسطوره‌ها، رسوم، هنرها و میراث ادبی و زبان را جدای از مضمون دینی آنها بررسی کرد (نصیری، ۱۳۸۷: ۱۹). دین که در ابتدا در عقاید ایرانیان به صورت عقایدی پراکنده و به صورت چند خدایی بود و در زمان زرتشت به صورت واحد بر آمده بود؛ در زمان ورود اعراب به ایران، به عنوان عنصری در هویت ملی ایرانیان پدید آمده و در زمان صفویه، شیعه به عنوان مکتب ملی ایرانیان انتخاب و ایرانیان آن را به عنوان جزئی از فرهنگ خود پذیرفته بودند که حتی با سیاست‌های ضد دینی شاهانی چون رضاخان و محمدرضا پهلوی نه تنها این عنصر به حاشیه کشیده نشد، بلکه این دین‌گریزی شاهان با بازخورد عظیمی چون انقلاب اسلامی مواجه شد. به هر حال دین اسلام با محوریت تشیع به عنوان اصلی‌ترین عنصر در فرهنگ مردم ایران و هویت ملی ایرانیان نمود دارد به نحوی که در هویت ملی ایرانیان، ملاک اسلام می‌باشد که سایر آداب و رسومی که در بین ایرانیان وجود داشته در صورتی که با دین اسلام هماهنگی نداشته باشد به حاشیه کشیده می‌شود و تنها آداب و رسومی پذیرفته شده که در

تضاد با دین نبوده است. عنصر دین (گرایش شیعه) در ایران دارای سه بخش می‌باشد: ۱- اعتقادات ۲- اخلاق ۳- عمل (احکام) (طباطبایی، ۸۷: ۳۲).

اعتقادات: در تفکر شیعه، اعتقادات دارای پنج بخش توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت است. «توحید» به معنی ایمان به خدا و یگانگی او است. «عدل الهی» به معنی این است که خدا به هر موجودی هر چه استحقاقش را داشته باشد عطا کرده و به هیچ موجودی ظلم نمی‌کند. «معاد» نیز که رستاخیز دوباره انسان‌ها جهت حسابرسی است. در اصل «نبوت» اعتقاد بر این است که پیامبران و فرستادگان الهی برای هدایت بشر آمده و حامل دستورات الهی هستند. اعتقاد به وجود امام بعد از پیامبر اکرم (ص) از اصول اعتقادی شیعه است و شیعه امام را جانشین پیامبر در امور دینی و دنیوی می‌داند.

اخلاق: دین به ما می‌گوید که در زندگی، صفات پسندیده برای خود اختیار کنیم و خوی خوش داشته باشیم و خود را با اوصاف خوب و نیکو بیاراییم. وظیفه‌شناس، خیرخواه، بشردوست، مهربان، باوفا، خوش خلق، خوش رو و دادگستر باشیم و از حق خود دفاع کنیم و از حدود و حقوق خود تجاوز نکنیم و به مال و عرض و جان مردم تعدی روا نداریم. در طلب دانش و ادب، از هیچ‌گونه تلاش، کوشش و فداکاری و از خودگذشتگی، کوتاهی ننماییم و بالأخره، عدل و اعتدال (میلنه‌روی) را در تمام امور زندگی پیشه خود سازیم.

عمل به احکام: دین دستور می‌دهد که در زندگی، کارهایی را انجام دهیم که خیر و صلاح ما و جامعه ما در آنها است و از کارهایی که فساد و تباهی به بار می‌آورد، دوری کنیم و نیز به ما می‌آموزد که به عنوان عبادت و پرستش پروردگار، اعمالی مانند: نماز، روزه، حج، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و نظایر آن را که نشانه‌ی بندگی و فرمان‌برداری است را به جا بیاوریم (طباطبایی، ۸۷: ۳۳).

عنصر تجدد

سومین عنصر در هویت ملی ایرانیان، عنصر تجدد است. برخورد ایران با غرب، عامل سومی را وارد هویت ایرانی کرد که آغازش شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و پذیرش قرارداد ترکمنچای در تاریخ ۱۸۲۸م. در دوره قاجار بوده است. بعد از شکست و پذیرش قراردادهای ترکمنچای و گلستان، گروهی از خواص دریافتند که دنیا دگرگون شده و ایران آن قدرت بزرگ نیست که به قفقاز لشکر بکشد و هندوستان را فتح کند. از اینرو برخی از روشنفکران بویژه میرزاملکم از سال‌های پیش، مسئله تجدد را مطرح کرده بودند و آشکارا از اخذ

تمدن فرنگی بدون تصرف ایرانی سخن می‌گفتند. سپه‌سالار برای تصریح در تغییرات، به فکر افتاد که شاه را به اروپا ببرد تا دنیای جدید را از نزدیک ببیند، باشد که از عقب‌ماندگی ایران آگاه شود. پس از آن نیز این عنصر تغییراتی را در جامعه ایجاد کرد. در مجموع، گسترش تجدد در ایران، تحولات اساسی و مهمی را در زندگی ایرانیان به وجود آورد و تأثیرات خود را به صورت روزافزونی از طریق ارتباطات، اقتصاد، شیوه‌های زندگی و تکنولوژی بر زندگی ایرانیان تحمیل کرد، بگونه‌ای که به نظر بسیاری از محققین، جزئی از هویت ایرانیان شد (فوزی، ۱۱۰: ۸۴). البته باید توجه داشت که مهم‌ترین مسئله‌ای که در تجدد مورد توجه است، چالشی است که در کشاکش چگونگی و نحوه پذیرش آن در هویت ایرانی دیدگاه‌های متفاوتی به وجود آورده است. از جمله‌ی این چالش‌ها اینکه آفرینش تازه‌ای است که در تقابل با خودباوری ایرانیان قرار دارد. چالش بعدی قبول ذهنی، روانی و فکری این واقعیت است که ایرانیان در شکل‌گیری آن نقشی نداشتند. چالش دیگر این است که ایرانیان برای سوار شدن بر مرکب تجدد باید بر بیگانگی خود نسبت به ابزارهای دستیابی به تجدد غلبه کنند. چالش بعدی مقابله با تفکرات منفی است که از تجدد وارد شده مانند: استعمار، استثمار و سلطه. در این راه ایرانیان باید با عوامل منفی که از تجدد گرفته شده مبارزه کنند و از سوی دیگر سعی کنند که تجدد را خوب بشناسند و جنبه‌هایی از آن را که به آنها کمک می‌کند را شناسایی کرده و به هویت خود بیافزایند. این عنصر که در حال حاضر در هویت ملی ایرانیان نقش دارد، در دوره‌های مختلف دارای نقش‌های مثبت و منفی برای ایرانیان بوده است، ولی اکنون این بحث مطرح می‌باشد که تجدد فی نفسه نمی‌تواند منفی باشد و باید آن جنبه‌های مثبت تجدد مانند تکنولوژی را اخذ کرد و سایر مفاهیم آن را بومی کرد. این عنصر حتی در اوایل انقلاب اسلامی بر خلاف عقاید بزرگان و رهبران انقلاب؛ به چالش و حاشیه کشیده شد ولی در دوره‌ها و سال‌های بعدی با این اعتقاد که امکان بهره‌مندی مناسب از این عامل وجود دارد، جایگاه خود را در بین ایرانیان ارتقاء داد تا جاییکه در حال حاضر یکی از سه عنصر اصلی هویت ایرانیان بشمار می‌آید.

در مجموع باید گفت که عناصر هویتی ذکر شده (ایران، دین، تجدد) به صورت یکپارچه و لایه‌ای و البته نه یکسان، در هویت ملی ایرانیان جایگاه خاص خود را دارد که باعث شده است ایرانیان دارای هویت ملی واحدی باشند که در این هویت ملی واحد، دین در مرکز و هسته‌ی این هویت قرار دارد که پایه و اساس این هویت ملی نیز محسوب می‌گردد زیرا در فرهنگ، تفکرات و سایر جلوه‌های

زندگی ایرانیان می‌توان مرکزیت تفکر شیعه را دید و در لایه بعدی هویت ملی ایرانیان، عنصر فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی غیر مغایر با اسلام قرار دارد و در بیرونی‌ترین لایه هویتی نیز تفکرات و ارزش‌های دنیای جدید (تجدد) قرار دارد که مورد پذیرش اسلام بوده و یا مغایرتی با آموزه‌های آن ندارد. در واقع می‌توان گفت جهان غرب به این درک رسیده که برای احاطه بر ایران بعنوان یک کشور مهم و راهبردی با جغرافیای سیاسی خاص (ژئوپلیتیک) و دارا بودن جغرافیای فرهنگی خاص (ژئوکالچرال) قابلیت انتقال فرهنگ و تمدن به کشورهای منطقه، ضروری است بن‌مایه‌های عزت آفرین ملت ایران را که همان عناصر ملی و مذهبی است در فرهنگ و هویت غربی استحاله کرد.

مفهوم‌پردازی تهدید

تعریف تهدید به دلیل ارتباط آن با امنیت ملی، منافع ملی، اهداف ملی و راهبردهای ملی، چندوجهی است. تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت دادن است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۳۴). تهدید در لغتنامه و بستر به معنای بیان و ابراز قصد آسیب، نابودی یا تنبیه دیگران از روی انتقام یا ارباب است. تهدید عبارت از وضعیتی است که در آن، خطر یا آسیب جدی، ارزش‌های اساسی و حیاتی یک بازیگر را هدف قرار دهد (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۸۹). رویکرد سنتی، تهدید را در قالب ملاحظات نظامی می‌نگرد و رویکرد فراستنی آن را چند بعدی می‌بیند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۱۱). از یک منظر، تهدید، عاملی عینی و خارجی است که منافع، ارزش‌ها و اهداف را به مخاطره می‌اندازد. از منظر دیگر، تهدید، عاملی ذهنی یا درک و برداشت مخاطره از شرایط خارجی نسبت به منافع، ارزش‌ها و اهداف می‌باشد (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

تهدید از نظر اصطلاحی عبارت از نیت، قابلیت‌ها و اقدامات دشمنان بالقوه و بالفعل برای ممانعت از دستیابی موفقیت آمیز یک ملت به علایق و مقاصد ملی است. به نحوی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتد. تهدید عبارت از کاربرد عوامل تهدید، به گونه ای که رقیب را وادار به انجام عملی معین کند. تهدید، طیفی از یک خطر کوچک تا لنهدام یک ملت را در برمی‌گیرد (نائینی، ۱۳۸۷: ۲۸). تهدید عبارت از اقدام یا اقدامات مخاطره‌آمیز یک بازیگر یا چند بازیگر نسبت به منافع بازیگر یا بازیگران دیگر است. تهدید وقتی مطرح است که از سوی یک عامل، منافع عامل دیگر به مخاطره افتد. به طور مثال منافع B از سوی A در خطر باشد (پاشایی، ۱۳۹۱: ۹۲).

عناصر تهدید

تهدید از سه عنصر اساسی عامل تهدید، حوزه تهدید و موضوع تهدید تشکیل شده است. کارگزار یا عامل تهدید، شخص، سازمان یا هر چیزی است که بالقوه یا بالفعل، توان ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را دارد. حوزه‌ی تهدید، هر قلمرو و محدوده‌ای است که موجودیت و دارایی حیاتی در آن عرصه در معرض خطر قرار بگیرد. موضوع تهدید، هر پدیده، وضعیت، فعالیت و شخص حقیقی یا حقوقی است که آماج تهدید باشد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۹).

گونه‌های تهدید

اقسام تهدید در مکاتب و نظریات مختلف از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته که برداشت متفاوت صاحب‌نظران، گروه‌ها و کشورها از این مفهوم و مصادیق آن در بیان انواع تهدید، مؤثر بوده است. در یک تقسیم‌بندی، تهدیدات به لحاظ ماهیت، هدف، موضوع، منابع، ابزار و شیوه به سه گونه‌ی تهدید سخت، تهدید نیمه سخت و تهدید نرم تقسیم می‌شود.

تهدید سخت

هرگاه استقلال و تمامیت ارضی کشور در خطر بالقوه یا بالفعل اقدامات نظامی یک کشور، اتحادیه کشورهای خارجی یا گروه‌های معارض مسلح داخلی قرار بگیرد، تهدید سخت واقع شده است (ناطق، ۱۳۹۰: ۱۳۱). هدف عمده تهدید سخت، اشغال سرزمین است. تهدید سخت متکی به روش فیزیکی، اقدام محسوس، کنش سخت‌افزارانه، رفتار خشونت آمیز، براندازی آشکار، کاربرد زور و اجبار، حذف دفاعی و اشغال سرزمین است. در دوره‌ی استعمار کهن، استعمارگران با لشگرکشی، اعمال زور، کشتار، اشغال و الحاق سرزمین، اهداف خود را تأمین می‌کردند. تهدید سخت در عصر حاضر در لشگرکشی آمریکا و متحدان آن به عراق و افغانستان مشاهده می‌شود (عسگری و وکیلی، ۱۳۹۰: ۳۲۴). روش خشونت آمیز و پیامد سخت افزاری اقدام، دو معیار اصلی تهدید سخت است. این تهدیدات اغلب با ابزار مرگبار انجام می‌شود و تخریب، انهدام، کشتار و وحشت‌آفرینی، نتیجه‌ی آن است (عاشوری و شهرام فر، ۱۳۹۰: ۱۸۴) و تهدید با معیارهای منبع، روش، ابزار و پیامد اقدام، سنجیده می‌شود (باقری و یوسفی، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵). تهدید سخت از دو جزء تشکیل شده است: اجبار و تشویق. جزء اجبار آن، اقدام به تهدید، کاربرد نیروی نظامی یا اعمال مجازات برای تغییر رفتار مطلوب است (قربان زاده سوار، ناطقی و اقبالی، ۱۳۹۰: ۸۶). تشویق، به تطمیع بازیگر آماج اشاره دارد که کم‌هزینه‌تر از اجبار است (حاجیان، ۱۳۹۰).

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور هستند که تسلیحات موجب جنگ نمی‌شود بلکه نتیجه‌ی بدگمانی، دشمنی و منازعه میان جوامع است. فردریک شومان با بیان این اعتقاد قدیمی صلح دوستان که تسلیحات به جنگ و خلع سلاح به صلح منجر می‌شود، می‌نویسد: عکس این حکم، صحیح‌تر است. ماشین‌های جنگی هنگامی مختصر می‌شوند که صلح، محتمل به نظر برسد. انتظار منازعه، به رقابت تسلیحاتی می‌انجامد و تسلیحات در لثر جنگ، افزایش می‌یابد (Schuman, 1953: 230). مورگنتا معتقد است که انسان‌ها به دلیل در اختیار داشتن سلاح با هم نمی‌جنگند؛ برعکس، به این دلیل سلاح در اختیار دارند که آن را برای جنگ، ضروری می‌دانند (Morgenthau, 1967: 239). برخی بر این اعتقاد هستند که رشد مستمر بودجه‌های دفاعی و زرادخانه‌های تسلیحاتی، محصول فشارهای سیاسی یا اقتصادی داخلی و نه نتیجه‌ی الزام‌های واقعی امنیت نظامی مؤثر هستند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۵۳۳). قدرت نظامی با پیشرفت تکنولوژی ساخت و نگهداری تجهیزات نظامی، عامل رقابت جهت حفظ امنیت، نمایش قدرت و اعمال تهدید در عرصه‌ی بین‌الملل شده است. رقابت تسلیحاتی یا مسابقه‌ی تسلیحاتی به معنای تقویت رقابت آمیز تسلیحات از سوی حداقل دو کنشگر متعارض است. فرآیند پایه در مسابقه‌ی تسلیحاتی، الگوی کنش-واکنش است. معمولاً قبل از جنگ و بروز خشونت، چنین مسابقاتی وجود دارد. رابطه‌ی مسابقه‌ی تسلیحاتی و جنگ، مشروط است. مسابقه‌ی تسلیحاتی، شرط لازم یا کافی وقوع جنگ نیست. البته در نظریه‌های مبتنی بر انگاره‌ی بازدارندگی، این فرض وجود دارد که سطح خاصی از تسلیحات برای جلوگیری از جنگ لازم است. در این دیدگاه، توازن دو طرف و نه سطح مطلق تسلیحات، مهم است که این فرآیند در پیوند نزدیک با مفهوم موازنه‌ی قدرت قرار دارد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۶۲-۶۳). به‌رغم اهمیت موضوع و تحقیقات گسترده در مورد جنگ، تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. هریک از محققان، با تکیه بر جنبه‌ی خاص از پدیده‌ی جنگ، تعریفی از آن ارائه می‌دهد؛ تنها یک اجماع نظر را می‌توان ملاحظه کرد: جنگ در زمره‌ی منازعه‌ی خشونت آمیز جمعی است. از اینرو، تعریف منازعه، مقدم بر تعریف جنگ می‌باشد. واژه‌ی منازعه به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک یا چند گروه انسانی معین (گروه قبیله‌ای، قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و غیر آن) با گروه انسانی دیگر به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف، تعارض آگاهانه داشته باشد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۲۹۶).

تهدید نیمه سخت

اقداماتی که حاکمیت و امنیت ملی کشور را با اختلال در نظام اقتصادی (مانند نفوذ، تحریم، و ...) به خطر اندازد یا نظام سیاسی کشور را با خطر براندازی (با روش‌های غیرفیزیکی یا ترکیبی از روش‌های سخت و نرم) مواجه نماید، تهدید امنیتی - سیاسی یا نیمه سخت نامیده می‌شود. پنهانی، ناگهانی و خزندگی، ویژگی این نوع تهدید است. در این نوع تهدید، ترکیبی از روش‌های آرام و خشونت‌آمیز با اقدامات سخت غافلگیرانه و با قاطعیت و سرعت عمل بالا وجود دارد. نفوذ در حاکمیت با بهره‌گیری از عوامل داخلی، تصاحب قدرت اقتصادی با روش‌های براندازی غافلگیرانه، اشغال مراکز حساس و استراتژیک و از میدان خارج کردن افراد کلیدی و راهبردی کشور از شیوه‌های این نوع تهدید است (ناطق، ۱۳۹۰: ۱۳۲). تهدید نیمه سخت معطوف به اهداف امنیتی - اقتصادی است. وقتی یک شخص یا واحد سیاسی بخواهد مبانی امنیتی یک نظام را از طریق اخلال در نظام اقتصادی، فساد اداری و سایر روش‌ها، هدف قرار دهد، اقدام به تهدید نیمه سخت کرده است (کلهر، ۱۳۸۷: ۷). این تهدید، اعمال قدرت از راه نفوذ سیاسی - امنیتی یک کشور برای تحمیل اراده و تأمین منافع است. هدف این نوع تهدید، اشغال حکومت و نهادهای حاکمیت است. تهدیدهای نیمه سخت، متکی بر کاربرد نظام اطلاعاتی - امنیتی و نفوذ در دولت است که روش‌های آن، بنا به شرایط، ترکیبی از ابزارهای سخت و نرم است. نظام‌های سلطه در دوره‌ی استعمار نو با کاربرد قدرت امنیتی و بدون لشگرکشی و اشغال سرزمین، حکومت یک کشور را در اختیار گرفته و منافع خود را تأمین کرده‌اند (نائینی، ۱۳۸۹: ۶۸). محدودیت در ورود محصولات خارجی، دخالت در نوسان قیمت‌ها، مسئله‌ی نرخ بهره و ارز، مشکلات کسب اعتبار و انواع پرداخت دیون و فشارهای ناشی از آن و تخریب محیط‌زیست از اشکال تهدید نیمه سخت است.

تهدید نرم

برخی در تعریف تهدید نرم با دو معیار روش غیرخشونت‌آمیز و پیامد نرم‌افزاری، آن را از تهدید سخت تفکیک می‌کنند. تهدید نرم، مجموعه اقداماتی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مقبول یک نظام سیاسی بشود. تهدید نرم، نوعی سلطه در ابعاد سه گانه‌ی حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله‌ی الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها، نمادها و الگوهای نظام تهدیدگر، جایگزین آن می‌گردد. اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی به خطر افتد یا باعث دگرگونی اساسی در هویت دینی و ملی یک کشور شود، تهدید نرم است. در این تهدید،

کشور مهاجم بدون منازعه‌ی فیزیکی، اراده‌ی خود را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزاری بر یک ملت تحمیل می‌کند. تغییرات حاصل از تهدید نرم، درونی، آرام، ذهنی و تدریجی است. این تهدید با آرامش و با ابزار تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و به شیوه‌ی القاء و اقناع انجام می‌پذیرد (ننائینی، ۱۳۸۷: ۱۶۸-۱۶۹). در این تهدید از ابزار نظامی و سربازان جنگ کلاسیک سنتی خبری نیست. عرصه‌ی کاربرد ابزار تهدید نرم، افکار عمومی، ارزش‌ها و اعتقادات شهروندان کشور است و بر مقبولیت و مشروعیت زمامداران و نظام سیاسی، سایه می‌افکند (ایمانی، ۱۳۹۰: ۲۹۲). در تهدید نرم دشمن با کاربرد ابزار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایجاد وحشت در مردم و ایجاد بحران اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و مخاطره ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور، باعث می‌شود تا به آرامی و نرمی، نوعی میل به عدم دفاع و ایستادگی در مردم به وجود آید و عملیات روانی بدون استفاده از سلاح صورت بگیرد (عاشوری و شهرام فر، ۱۳۹۰: ۱۸۵). تردید در مبانی نظام سیاسی، تزلزل در زیرساخت‌های کشور، تذبذب در باورهای اساسی جامعه، ناهنجاری در الگوهای رفتاری مردم و مسئولان و تمهید و تشدید بحران‌های هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ، ادغام و توزیع از مؤلفه‌های این تهدید است (عسگری و وکیلی، ۱۳۹۰: ۳۲۵).

تجلی تهدید نرم در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نسبت به سایر ابعاد، بیشتر است؛ زیرا جوهره‌ی دولت، سیاسی - اجتماعی و نه فیزیکی است. جوهره‌ی دولت، معیار مهم در روش برخورد مناسب با ایده امنیت ملی است. اگر قلب دولت در ایده‌ای باشد که در اذهان مردم است، پس این ایده، موضوع اصلی امنیت ملی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۵-۸۴). ارزش‌ها زیرمجموعه‌ی مباحث فرهنگی هستند و اشتراک یا عدم اشتراک ارزش‌های مردم و حکومت و یگانگی یا دوگانگی ارزشی در جامعه به نوبه‌ی خود بر روند امنیت تأثیر دارد که بسته به شرایط می‌تواند باعث ایجاد تهدید یا امنیت و ثبات یا بی‌ثباتی شود.

نوع و دامنه‌ی تهدیدات

هدف هر نوع تهدید، تأثیر بر اندیشه، عواطف و اراده و سرانجام تسلیم حریف است. بنابراین نقطه‌ی مشترک همه‌ی تهدیدها، تحمیل اراده بر نیروی مقابل است. تفاوت تهدیدات، در کاربرد روش‌ها، ابزارها و ... است. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی اجرا شود یا با تکیه بر روش‌های سیاسی و روانی به شیوه‌های غیرخشونت آمیز و با کاربرد قدرت نرم انجام گیرد. بی‌تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی حریف، تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت، ضرورت

نخواهد داشت. از اینرو، با کاربرد عملیات روانی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرو می‌ریزند یا برای تسریع در تحقق اهداف عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی از سلاح عملیات روانی به منظور سلب اراده و انگیزه‌ی نبرد در نخبگان یک کشور، مردم و نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی بهره می‌گیرند تا خاکریزهای دفاعی، بدون خونریزی سقوط کند. تهدید نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده‌ی ملت را از بین می‌برد و مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف می‌کند. فروپاشی روانی یک ملت، مقدمه‌ی فروپاشی سیاسی-امنیتی و ساختارهای آن می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳-۴).

تهدیدات فراروی هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران

تهدیدات سخت‌بنیاد

در جنگ هشت ساله ثابت شد آنچه که عامل تحریک و موفقیت ایرانیان برای مقابله با دشمن تا دندان مسلح بود همان هویت ملی بود. رجزخوانی‌ها و نوحه سرایی‌های حماسی ایرانیان که در طول تاریخ بی‌نظیر بوده روح هر رزمنده‌ی مبارزی را آماده می‌ساخت تا با ایثار جان خود بر عزت ملی ایران بیافزاید و اینگونه نیز شد. در این بین مهمترین تهدید سخت بر علیه ایران همان از بین بردن زیرساخت‌های فرهنگی و نیز تحمیل هزینه‌های مالی بر جامعه بود تا مرمت و ساخت زیرساخت‌های جامعه در اولویت قرار گیرند و از طریق در نظر گرفتن ردیف اعتبارات برای هزینه کردهای عمرانی، بخش فرهنگ و آموزش در اولویت‌های بعدی قرار گیرد. اساساً باید پذیرفت که جنگ‌ها به دلیل هزینه بر بودن می‌تواند تا سال‌ها نظام‌های سیاسی را درگیر اقدامات عمرانی کند و به همین دلیل توجه به مسایل فرهنگی ملت‌ها معمولاً به تعویق می‌افتد و این خود به معنای آسیب رساندن تهدیدات سخت به زیرساخت‌های فرهنگی یک نظام و یک ملت محسوب می‌شود. این مسئله در دوره قاجار و پهلوی نیز وجود داشته بگونه‌ای که تحمیل دو جنگ جهانی اول و دوم علیرغم اعلام بی‌طرفی خسارات فراوانی را بر ملت ایران وارد آورد و اساساً هر دو حکومت پیش گفته را مشغول به خود کرد و در نتیجه فرصت برای فضا سازی و ترمیم بخش‌های فرهنگی به کمترین حد ممکن رسید و به همین سبب هویت ملی را تحت الشعاع خود قرار داد.

تهدیدات نیمه سخت

چهل سال است که ایران از جنبه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی مورد تهدید نیمه سخت قرار گرفته است. تحریم‌های اقتصادی شکننده‌ای که بر ایران وارد

شده همواره ذهن جامعه را درگیر کرده است. بدین نحو که در بعضی مواقع مشاهده می‌شود که فشارهای اقتصادی در طبقه پایین جامعه چنان اثرگذار بوده که بی‌توجهی به دین و ارزش‌های انقلاب در ذهنشان تبلور یافته است. حقیقت آن است که بر اساس آموزه‌های مکتب اسلام هرگاه فقر وارد شود کفر را نیز به همراه خود خواهد آورد. عنصر اقتصادی از آنچنان اهمیتی برخوردار است که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به این مهم پرداخته و علت عقب‌ماندگی اقتصادی ایران را علیرغم وجود تمام منابع موجود برای رشد اقتصادی در دو بخش بیان می‌کنند. بخش اول را ماحصل بی‌برنامگی‌ها و سوء مدیریت‌های داخلی می‌دانند و بخش دوم را ماحصل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی وارده در قالب پیمان‌نامه‌ها و معاهدات ظالمانه از سوی دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قلمداد می‌کنند که از این طریق تمرکز سیستم داخلی را معطوف به حل بحران و یا چالش اقتصادی کنند و در نتیجه بخش فرهنگی و آموزشی را که پیش‌ران هویت ملی است را با خلاء اعتباری مواجه کنند.

تهدیدات نرم

به نظر می‌رسد مهمترین تهدیدات فراروی هویت ملی در حوزه جنگ نرم رخ می‌دهد. هویت ملی با رویکردی فرهنگی آنچنان حائز اهمیت است که نظام‌های سیاسی قوام و ثبات خود را از طریق آن به دست می‌آورند. حال آنکه جمهوری اسلامی ایران به دلیل رشد فزاینده‌ی ایده‌های ارزشی و انقلابی خود به عنوان یکی از مهمترین اجزای هویت ملی به ویژه در دوره معاصر توانسته است با الگوسازی و تشکیل محوری تحت عنوان محور مقاومت در منطقه تهدیدی جدی برای منافع غرب با الگوی لیبرالیسم و با به کارگیری سیاست‌های توسعه‌طلبانه و امپریالیستی خود خلق کند. طبیعی است که تهدیدات آنان در گام اول بر علیه همین هویت ملی (ارزشی-انقلابی) از طریق انتشار و ترویج فرهنگ بی‌بندوباری، بر هم زدن نظم و ثبات در بدنه خانواده‌های ایرانی و نیز استحاله فرهنگی و تلاش برای غالب نمودن فرهنگ غربی بر فرهنگ اصیل اسلامی-ایرانی صورت گرفته است یا به تعبیر دیگری جریان نفوذ درصدد است تا هویت غربی را بر هویت ملی غالب کند و از آنجایی که به استناد نظریه پردازانی چون بایندر مهمترین راه سقوط نظام‌های سیاسی ایجاد بحران هویت در میان جوامع آن است به خوبی به این درک رسیده‌اند و در نتیجه بیشترین تمرکز را بر همین رویه قرار داده‌اند. نمونه بارز آن القاء سند ۲۰۳۰ می‌باشد که هدفی جزء تحمیل برنامه‌های حاوی فرهنگ و هویت غربی در آن نبوده است. چراکه به زعم بسیاری از کارشناسان غربی برای تسلط یافتن بر ایران و منافع آن باید

هویت ملی ایرانیان را به چالش کشید. ضمن اینکه نباید غافل شد که غرب در دوره قاجار به ویژه در جنبش مشروطه از طریق پذیرش دانشجو، تاسیس مدارس، آموزش زبان، ایجاد کلیسا و اعزام مبلغین مسیحی به ایران، به دنبال حذف هویت ملی ایرانیان با جایگزینی هویت غربی بوده است.

نتیجه‌گیری

هویت ملی به عنوان سمبل و چرخ دنده عزت ملی محسوب می‌شود که چنانچه نظام‌های سیاسی به پرورش و رشد آن از طریق آموزش و پرورش و بازپرداختن به تاریخ ملت‌ها روی آورند همواره می‌توانند در برابر هر تهدیدی مصون بمانند و از سویی هویت ملی ایرانی-اسلامی با وجود رشد فزاینده قدرت ایران در منطقه از جهات مختلف مورد تهدید قرار گرفته است. چرا که جهان غرب به عنوان اصلی‌ترین دشمن ایران در طی چهل سال گذشته به خوبی دریافته که آنچه عامل موفقیت ایران در رشد علمی، نظامی و سیاسی ایرانیان بوده همان عناصر هویت ملی (باستانی و مذهبی) بوده است. بنابراین تمام تلاش خود را به کار برده تا از طریق استحاله فرهنگی، هویت غربی را با بکارگیری رسانه‌های ماهواره‌ای و اینک شبکه‌های اجتماعی و مجازی بر هویت ملی غلب کنند. از آنجایی که لیبرالیسم به عنوان هدف غایی و محور اصلی تفکر آمریکا محسوب می‌شود و تنها مکتب و ایدئولوژی‌ای که در برابر آن مقاومت کرده همان فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی است، طبیعی است که به دنبال مهار و ضربه زدن به آن باشد. پذیرفتنی است که سیاستگذاران با نگاهی ژرف‌نگر و بر اساس تجارب تاریخی ادوار گذشته تاریخی به تقویت هویت ملی با مبنایی تاریخی و ارزشی پردازند. برآیند آن که هویت ملی شناسنامه یک ملت است و ملتی که شناسنامه ندارد یعنی هویتی برای دفاع از ارزش‌های خود در اختیار ندارد و بنابراین رمز موفقیت و کسب عزت ملی در آن است تا عناصر مطلوب هویت ملی تقویت شود.

منابع

- اتکینسون، دیوید و مارک رابوی (۱۳۸۱) رادیو و تلویزیون در خدمت عموم، چالشهای قرن بیست و یکم، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: سروش.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳) بحران هویت ملی و قومی در ایران، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸) "حوزه ناامنی؛ بنیادهای فرهنگی مدیریت استراتژیک و امنیت داخلی در ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، ش ۳.
- اینگلیس، فرد (۱۳۷۷) نظریه رسانه ها، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳) عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشگرده مطالعات راهبردی.
- حریری اکبری، محمد (۱۳۷۸) مدیریت توسعه، تهران: نشر قطره.
- خوشنویس، ناهید (۱۳۸۹) "رسانه و سبک زندگی"، ماهنامه علمی - تخصصی روابط عمومی، ش ۷۳.
- دروین، برندا و دیگران (۱۳۷۸) بازنگری در ارتباطات، مسایل مربوط به نگاره ها، ترجمه محمود صدری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- رهنما، هوشنگ (۱۳۸۴) زبان؛ گفتار و نوشتار، جستاری در رسانه های گروهی و جامعه، زبان و رسانه (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز تحقیق و توسعه رادیو.
- زهیری، علیرضا (۱۳۷۹) "هویت ملی ایرانیان"، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم، ش ۱۲، زمستان.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۱) "انقلاب اسلامی و هویت ملی"، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۶، زمستان.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۴) نشانه شناسی رادیو، زبان و رسانه (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز تحقیق و توسعه رادیو.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰) اخلاق خدایان، انتشارات طرح نو.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۲) "جنگ روانی رسانه ای"، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، ش ۱، تابستان.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز.

- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹) تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران انتشارات باز.
- شیری، فریدون (۱۳۷۱) فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، تهران: انتشارات خجسته.
- صافی، عبدالکریم (۱۳۸۵) "وسایل ارتباط همگانی در گفتمان تمدن‌ها"، مجله جامعه مدنی، سال چهارم، ش ۱.
- صالحی عمران، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷) "بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتابهای درسی دوره راهنمایی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، ش ۳۵.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۵) "جامعه‌شناسی بحران هویت"، فصلنامه پژوهش، سال اول، ش ۳ و ۲، زمستان و پاییز.
- عمیدی، عبدا... (۱۳۸۵) "بسیج، رسانه است؛ درآمدی به نگاه رسانه‌ای به بسیج"، فصلنامه مطالعات بسیج، سال نهم، ش ۳۲.
- غفاری، جلال (۱۳۸۵) "رسانه ملی در افق هنجار گرایانه دینی"، فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲۴.
- فاین، بن (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه سیدمحمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۵). امام خمینی (ره) و هویت ملی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کیویستو، ا. (۱۳۷۸) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴) گفتارهایی درباره زبان و هویت، مؤسسه مطالعات ملی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی امنیت، تهران، نشر پیام پویا.
- معین، محمد (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی، تهران: نشر بهزاد.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹) درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر با همکاری سیدیحیی صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۲) گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- میلسن و دیگران (۱۳۸۸) دیپلماسی عمومی و نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نصری، قدیر (۱۳۸۷) مبانی هویت ایرانی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.

ویندال، سون و دیگران (۱۳۷۶) کاربرد نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

Alleyne, Mark D. (1995) *International Power and International Communication*, New York :St. Martin Press.

Gurevitch, M. Bennett, T. Curran, J. & Woollacott, J, (1995) *Culture, Commerce, Society and the Media*, London: Routledge.

Jowett Garth s, O'Donnell Victoria (1986), *Propaganda and Persuasion*, London :Sage.